

وہابیت عامل تفرقہ میان امت ہا

وهابیت عامل تفرقه میان امت ها

امت اسلامی در این زمان بیش از هر زمان دیگری نیاز به اتحاد و همدلی دارند تا بتوانند در برابر توطئه های دشمنان اسلام پیروز شوند اما با پایه ریزی مبانی فکری و هابیت در قرن هفتم و هشتم، و با اتهام نادرست بدعت و شرک به مسلمانان، ضربه های جبران ناپذیری به صفوف به هم پیوسته مسلمانان وارد شد و با نابودی آثار بزرگان دین و ممانعت از شعائر اسلامی و جلوگیری از توجه مردم به انبیا و اولیای الهی، اهداف شوم دشمنان دیرینه اسلام را عملی ساخت. در این مقاله نقش و هابیت در ایجاد اختلاف و تفرقه میان مسلمانان بررسی خواهد شد.

مقدمه

امت اسلامی با همه اختلافات فکری که در گرایش های مذهبی داشت، با الهام از رهنمودهای حیات بخش اسلام توانسته بود پیوند اخوت در میان خود ایجاد نماید و در پرتو کلمه توحید و توحید کلمه در برابر تهاجم سنگین دشمنان قسم خورده اسلام استوار بماند، ولی با کمال تأسف با پایه ریزی مبانی فکری و هابیت در قرن هفتم و هشتم، این وحدت درهم شکسته شد و با اتهام نادرست بدعت و شرک به مسلمانان، ضربه های جبران ناپذیری به صفوف به هم پیوسته آنان وارد ساخت و با نابودی آثار بزرگان دین و ممانعت از شعائر اسلامی و جلوگیری از توجه مردم به انبیا و اولیای الهی، اهداف شوم دشمنان دیرینه اسلام را عملی ساخت.

ابن تیمیه و شکاف میان امت اسلامی:

پیشرفت اسلام در اروپا و شکست آندلس برای غرب صلیبی، بسیار تلخ و ناگوار بود. از این رو، در اندیشه انتقام بود تا این که در سال های پایانی قرن پنجم، پاپ، رهبر کاتولیک ها در شهر روم، با فرمان حمله به فلسطین، قبله اول مسلمانان، صدها هزار مسیحی برافروخته از کینه دیرینه صلیبی را بر ضد توحید از اروپا به راه انداخت، تا قدس را قتلگاه مسلمانان سازند و به دنبال آن جنگ های مشهور صلیبی که حدود 200 سال (489 - 690) به طول انجامید و میلیون ها کشته و مجروح برجای گذاشت، آغاز گشت.

در آن زمانی که مصر و شام با صلیبیان درگیر بودند، امت اسلامی با طوفان سهمگین تری، یعنی حمله مغولان به رهبری چنگیز، مواجه گردید که آثار ارزشمند اسلامی را نابود و یا غارت کردند.

پنجاه سال بعد از آن (656 ق.) به دستور هولاکو، نواده چنگیز، بغداد به خاک و خون کشیده شد و طومار خلافت عباسی درهم پیچیده شد. سپس بر سر حلب و موصل (657 - 660 ق.) همان بلا آمد که بر بغداد گذشت.

ابن اثیر، مورخ مشهور می نویسد: "... مصایب وارده بر مسلمانان از سوی مغول آن چنان سهمگین بود که مرا یارای نوشتن آن نیست و ای کاش مادر مرا نمی زاید و ای کاش پیش از حادثه مرده بودم و شاهد این فاجعه نبودم". [1] گفتنی است در طول سلطه مغول فرستادگان سلاطین همواره می کوشیدند تا با جلب نظر مغولان و هم دستی آنان، امت اسلامی را از دو

سو تار و مار کنند. افزون بر این، مادر و همسر هولاکو مسیحی بودند و سردار بزرگش، کیتوبوقا، در شامات نیز مسیحی بود.

هم چنین اباقاخان، (663 - 680) فرزند هولاکو یا دختر امپراتور روم شرقی ازدواج کرد و با پاپ و سلاطین فرانسه و انگلیس بر ضدّ مسلمانان متحد شد و به مصر و شام لشکر کشید. ناگوارتر از همه، ارغون نوه هولاکو (683 - 690) به وسوسه وزیر یهودی اش سعد الدوله ابهری در اندیشه تسخیر مکه و تبدیل آن به بت خانه افتاد و مقدمات این دسیسه را نیز فراهم ساخت که خوشبختانه با بیماری ارغون و قتل سعد الدوله، آن فتنه بزرگ عملی نشد [2]. در چنین زمان حسّاسی که کشورهای اسلامی در تب و تاب درگیری های ویرانگر می سوخت و مسلمانان مورد حمله های ناجوانمردانه شرق و غرب قرار گرفته بودند، ابن تیمیه نظریه پرداز وهّابیت به نشر افکار خود پرداخت و شکاف تازه ای در امتّ اسلامی ایجاد کرد.

محمد بن عبد الوهّاب و ضربه بر وحدت اسلامی:

"محمد بن عبد الوهّاب" بنیان گذار و مروج افکار وهّابیت در قرن دوازدهم، مسلمانان را به جرم توسّل به انبیا و اولیای الهی، مشرک قلمداد کرد و فتوا به تکفیر آنان داد و خونشان را حلال و کشتن آنان را جایز و اموال آنان را جزء غنایم جنگی به حساب آورد که در نتیجه این فتوا، هزاران مسلمان بی گناه به خاک و خون کشیده شدند.

آری، طرح مجدد افکار ابن تیمیه به وسیله "محمد بن عبدالوهّاب" در بدترین شرایط تاریخی و اوضاع بسیار نامناسب سیاسی صورت گرفت؛ چرا که امتّ اسلام از چهار سو مورد تهاجم شدید استعمارگران صلیبی قرار داشت و جامعه اسلامی بیش از هر زمان دیگری نیاز به وحدت کلمه داشت.

انگلیسی ها بخش عظیمی از هند را با زور و تزویر از چنگ مسلمانان خارج ساخته و با پایان دادن به شوکت امپراتوری مسلمانان تیموری، خواب تسخیر پنجاب، کابل و سواحل خلیج فارس را می دیدند و لشکر آنان گام به گام به سمت جنوب و غرب ایران پیشروی می کرد.

فرانسوی ها به رهبری ناپلئون، مصر، سوریه و فلسطین را با قوه قهریه اشغال کرده و در حالی که به امپراتوری مسلمانان عثمانی چنگ و دندان نشان می دادند، در اندیشه نفوذ به هند بودند.

روس های تزاری که مدّعی جانشینی سزارهای مسیحی روم شرقی بودند، با حملات مکرر به ایران و عثمانی، می کوشیدند تا قلمرو حکومت خویش را از یک سو تا قسطنطنیه و فلسطین و از سوی دیگر تا خلیج فارس گسترش دهند و بدین منظور اشغال نظامی متصرفات ایران و عثمانی در اروپا و قفقاز را در صدر برنامه های خود قرار داده بودند. حتّی آمریکایی ها نیز چشم طمع به کشورهای اسلامی شمال آفریقا دوخته و با گلوله باران شهرهای لیبی و الجزایر، سعی در رخنه و نفوذ به جهان اسلام داشتند، جنگ اتریش و عثمانی بر سر صربستان و همکاری ناوگان جنگی هلند با انگلیسی ها در محاصره نظامی پایتخت الجزایر نیز در همین دوران بحرانی صورت پذیرفت [3]

مفتیان سعودی، زمینه ساز تفرقه:

امروز که دشمنان قسم خورده اسلام از مسیحیت، یهود، آمریکا و صهیونیسم، کمر به نابودی اسلام و ملت مسلمان بسته اند و اساسی ترین طرح هائیتنگتون، مغز متفکر کاخ سفید و دکتر مایکل، نظریه پرداز سازمان سیا، ایجاد تفرقه میان مسلمانان می باشد، می بینیم که مفتیان سعودی عملاً در خدمت بیگانگان قرار گرفته اند و با صدور فتاوی نادرست و مبتنی بر موهومات و تخیلات، راه هرگونه وحدت میان امتّ اسلامی را مسدود کرده و زمینه تفرقه در میان

مسلمانان را بیش از پیش فراهم می سازند.

بن باز و عدم امکان تقریب:

از مفتی اعظم عربستان، شیخ عبد العزیز بن باز استفتا شده: "با توجه به آگاهی شما از گذشته شیعیان، نظرتان در باره تقریب میان شیعه و اهل سنت چیست؟[4]" در پاسخ گفته است:

التقريب بين الرافضة وبين أهل السنة غير ممكن؛ لأنّ العقيدة مختلفة. .. فلا يمكن الجمع بينهما، كما أنّه لا يمكن الجمع بين اليهود والنصارى والوثنيين وأهل السنة، فكذلك لا يمكن التقريب بين الرافضة وبين أهل السنة؛ لاختلاف العقيدة التي أوضحناها[5]؛ تقريب میان شیعه و اهل سنت ممکن نیست؛ زیرا عقاید این دو با هم دیگر سازگاری ندارد و هم بستگی میان آنان امکان پذیر نیست. همان گونه که نمی شود یهود، نصاری و بت پرستان را با اهل سنت در یک جا جمع کرد و تقریب ایجاد کرد؛ هم چنین به سبب اختلاف اعتقادی که میان شیعه و اهل سنت هست، تقریب میان آنان امکان پذیر نیست.

هم چنین در کتاب مسأله التقريب[6] که با حمایت حاکمان مکه و مدینه در همین سال های اخیر منتشر شد، نخستین پیش شرط وحدت و تقریب با شیعه را اثبات مسلمان بودن شیعه دانسته اند.

آمریکا، یهود و شیعه دشمن مشترک اهل سنت:

عبدالعزیز قارئ از علمای بزرگ مدینه منوره، طی مصاحبه ای گفت:

نحن الآن في زمن عصيب طوقنا العدو المشترك وهو ذو ثلاث شعب: اليهود، وأمريكا، والروافض، وهذا العدو نبت من أحداث العراق الجسام وما وقع في لبنان أنّه يستهدف أهل السنة جميعاً على اختلاف مذاهبهم فهل يصحّ أن نتشاجر نحن أهل الدائرة الواحدة المستهدفة دائرة أهل السنة والجماعة، ألاّ يجب أن نتكاتف ضدّ الأخطار التي تتهدّدنا جميعاً؟

... إنّ من يقول إنّ أهل السنة والجماعة مذهب واحد يلزمه أن يخرج هذه المذاهب الأربعة من دائرة أهل السنة والجماعة، وهم فعلاً يعتقدون ذلك ويعتبرون تعدّد هذه المذاهب الفقهية مظهر انحراف[7]؛ ما امروز در برابر دشمن مشترکی قرار داریم که دارای سه زاویه می باشد: آمریکا، یهود و روافض (شیعه) و حوادث عراق و لبنان ثابت کرد که هدف اصلی این دشمنان، اهل سنت و جماعت هستند و ما باید در برابر این دشمنان متحد باشیم.

تا آن جا که می گوید: کسانی که بر این باورند که اهل سنت دارای یک مذهب هستند باید تلاش کنند اعتقاد به مذاهب چهارگانه را از محدوده اهل سنت و جماعت خارج کنند؛ وگرنه این مذاهب چهارگانه فقهی، وسیله انحراف جامعه خواهد بود.

مراجع عظام تقلید و تفکر انحرافی و وهابیت

آن چه که هر انسان مسلمان و آزاده را آزار می دهد، فتواهای مخالف شرع و عقل است و صاحبان این فتاوا نمی دانند که خواسته یا ناخواسته در خدمت کسانی هستند که با ایجاد تفرقه میان مسلمانان هدفی جز نابودی اسلام ندارند.

نظر امام خمینی قدس سره:

امام خمینی قدس سره می فرمایند:

مگر مسلمانان نمی بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانون های فتنه و جاسوسی مبدل شده اند که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، .. و اسلام آمریکایی را ترویج میکنند و از طرف دیگر سر بر آستان سرور خویش آمریکای جهان خوار میگذارند.[8] و در وصیتنامه سیاسی الهی خود می نویسند:

و می بینیم که ملک فهد هر سال مقدار زیادی از ثروت های بی پایان مردم را صرف طبع قرآن کریم و محالّ تبلیغاتِ مذهبِ ضد قرآنی می کند و وهابیت، این مذهب سراپا بی اساس و خرافاتی را ترویج می کند؛ و مردم و ملت های غافل را سوق به سوی ابرقدرت ها می دهد و از اسلام عزیز و قرآن کریم برای هدم اسلام و قرآن بهره برداری می کند. [9]

نظر آیت الله العظمی فاضل لنکرانی قدس سره:

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی فرمودند:

برای همه آگاهان روشن است که وهابیت، که به اتفاق همه گروه های مسلمین، از اسلام خارج است و مولود کفر و یهود می باشد، هیچ فلسفه وجودی به جز مخالفت با اسلام و قرآن و ایجاد تفرقه میان مسلمین ندارد. این گروه نه تنها به دنبال هدم مظاهر مقدس شیعه، بلکه در صدد از بین بردن همه آثار و مقدسات اسلامی، از جمله مرقد نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است؛ و روزی قرآن و کعبه مقدسه را نشانه خواهند رفت. [10]

نظر مقام معظم رهبری:

مقام معظم رهبری می فرماید:

از اول، وهابیت را برای ضربه زدن به وحدت اسلام و ایجاد پایگاهی - مثل اسرائیل - در بین جامعه ی مسلمان ها به وجود آوردند. همچنان که اسرائیل را برای این که پایگاهی علیه اسلام درست کنند، به وجود آوردند، حکومت وهابیت و این روءسای نجد را به وجود آوردند تا داخل جامعه ی اسلامی، مرکز امنی داشته باشند که به خودشان وابسته باشد و می بینید هم که وابسته اند.

الان این سلاطینی که در بقعة الاسلام وهابی هستند، از این که به وابستگی و رفاقت و طرفداری خودشان از سیاست های دشمنان اسلام - یعنی آمریکا - تصریح کنند، ابایی ندارند و آن را پوشیده نمی دارند [11]

نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

آیت الله العظمی مکارم شیرازی فرمودند:

دشمنان اسلام، وهابیون را برای تفرقه افکنی و سوء استفاده از مسلمانان در منطقه بسیج کردند [12]. پیدایش فرقه وهابیت یکی از مشکلات و چالش های بزرگی است که دین مبین اسلام در طول تاریخ خود با آن روبرو شده و به وسیله آن عقب افتاده است. [13]

نظر حضرت آیه الله العظمی صافی:

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی می نویسد:

هنگامی که کتاب العواصم من القواصم را خواندم، از تلاش نویسنده آن برای تفرقه میان مسلمانان شگفت زده شدم و به حق سوگند، به ذهنم خطور نمی کرد که در عصر حاضر یک مسلمانی برای دور کردن مسلمانان از هم دیگر و ایجاد اختلاف میان آنان این چنین کوشش کند و همه مصلحان و منادیان وحدت را به نادانی و دروغ گویی و نفاق و حيله، متهم سازد، بالاترین مصیبت این جاست که این کتاب توسط دانشگاه بزرگ مدینه منوره چاپ و منتشر شده است.

آری، مادامی که کتاب هایی همانند الخطوط العریضة، الشیعة والسنة و العواصم من القواصم، به وسیله دانشگاه اسلامی مدینه منوره چاپ و منتشر می شود و عداوت و دشمنی با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را آشکار نموده و حقایق تاریخی را انکار کرده و هرگونه وحدت میان مسلمانان را زیر سؤال برده و با منادیان وحدت به مخالفت برخاسته، چگونه می شود به تقریب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمین دست یافت؟ [14] همچنین در دیدار اعضای ستاد بازسازی عتبات عالیات، فرمودند:

وهابیان نه تنها با اهل بیت پیامبر علیهم السلام بلکه با شخص رسول الله صلی الله علیه و آله

دشمنی دارند و در صدد از بین بردن نام و تاریخ اسلام برآمده اند. یاد و نام ائمه اطهار علیهم السلام از بین رفتنی نیست و آن چیزی که به زودی خاموش می شود، فتنه وهابیت در جهان است و تنها جنایت های آن هاست که در تاریخ باقی می ماند [15]. برای این که روشن شود که تفکر وهابیت در ایجاد تفرقه مخالف قرآن و سنت می باشد، نخست موضوع وحدت از منظر قرآن و سنت را بحث می کنیم و آن گاه به عوامل تفرقه و نتایج شوم آن خواهیم پرداخت.

ارزش و جایگاه وحدت از منظر قرآن و سنت

1. وحدت، رمز پیروزی ملت ها:

شکی نیست که یکی از عوامل پیشرفت ملت ها و رمز پیروزی آنان، پیوند و اتحاد بوده است. همان گونه که با اتحاد قطرات آب، مخزن بزرگ سد، تشکیل و با پیوستن جوی های کوچک به هم دیگر رودخانه های عظیم ایجاد می شود، با اتحاد انسان ها نیز صفوف بزرگی تشکیل می شود که دشمن با نگاهش به وحشت افتاده و فکر تجاوز به آنان را برای همیشه از سر بیرون می کند: "... تَرْهَبُونَ يَهْ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ" [16]; .. تا به وسیله فراهم ساختن امکانات، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.

قرآن مجید، ملل اسلامی را به سوی یگانه عامل وحدت، تمسک به حبل الله دعوت می کند و از هرگونه تفرقه برحذر می دارد: "وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا" [17]; و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.

تمام مسلمانان را امت واحد و دارای هدف واحد و خدای واحد می داند: "إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ" [18]; قطعاً این (پیامبران بزرگ و پیروانشان) همه امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف) و من پروردگار شما هستم پس مرا پرستش کنید!

قرآن، امت اسلامی را با هم برادر به حساب آورده و انتظار دارد که روابط میان آنان همانند روابط دو برادر با یک دیگر صمیمانه باشد و در صورت بروز کوچک ترین اختلاف، دستور صلح و آشتی می دهد: "إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ" [19]; مومنان برادر یک دیگرند پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید!

2. تفرقه بدترین عذاب آسمانی:

از سویی دیگر، خداوند، اختلاف و پراکندگی و به جان هم افتادن را یکی از بدترین عذاب ها به شمار می آورد: "قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَيَّا أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلِيَسَكُمُ شَيْعًا وَيَذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ" [20]; بگو او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد، یا شما را گروه گروه به جان هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی دیگر بچشاند.

ابن اثیر می گوید: "مراد از "شیعا" همان تفرقه میان امت اسلامی است" [21]. و به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله دستور می دهد که با افرادی که دچار تفرقه شده و در اختلاف خود اصرار می ورزند، رابطه نداشته باشد: "إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَّسَتْ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يَنْبِئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ" [22]; کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند و به دسته های گوناگون (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ گونه رابطه ای با آن ها نداری! سر و کار آن ها تنها با خداست سپس خدا آن ها را از آن چه انجام می دادند، باخبر می کند.

او به مسلمان ها فرمان می دهد که همانند مشرکانی که دچار تفرقه شده و به اختلاف خود می بالند، نباشند: "وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ * مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا

لَدَيْهِمْ قَرْحُونَ [23]؛ نباشید از کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و به دسته ها و گروه ها تقسیم شدند! و (عجب این که) هر گروهی به آن چه نزد آن هاست (دل بسته و) خوش حالند! 3. نگرانی رسول گرامی صلی الله علیه و آله از اختلاف امت:

هرگونه اختلاف میان امت اسلامی موجب نگرانی حضرت بود؛ سیوطی و دیگران آورده اند: مردی به نام "شاس بن قیس" که پرورش یافته دوران جاهلیت بود و کینه و حسد مسلمانان در سینه اش شعله می کشید، یک نفر جوان یهودی را تحریک کرد که میان دو قبیله بزرگ اسلامی اوس و خزرج، اختلاف ایجاد کند.

این یهودی جنگ ها و درگیری های زمان جاهلیت را برای افراد دو قبیله یادآور شد و آتش فتنه را روشن ساخت به طوری که آنان شمشیر به دست گرفته و در برابر هم صف آرایی کردند. رسول گرامی صلی الله علیه و آله از این قضیه مطلع شد، به همراه تعدادی از مهاجران و انصار در محل درگیری حاضر شد و فرمود:

يا معشر المسلمين، الله الله، أبدوى الجاهلية وأنا بين أظهركم؟ بعد إذ هداكم الله إلى الإسلام وأكرمكم به، وقطع به عنكم أمر الجاهلية، وأستنقذكم به من الكفر، وألف به بينكم، ترجعون إلى ما كنتم عليه كفارا؛ ای مسلمانان، آیا خدا را فراموش کرده اید و شعار جاهلیت سر می دهید با این که هنوز در میان شما حضور دارم. پس از آن که خداوند شما را به نور اسلام هدایت کرد و به شما ارزش داد و فتنه های دوران جاهلیت را ریشه کن ساخت و از کفر، رهایی بخشید و میان شما الفت و برادری برقرار کرد، شما دوباره می خواهید به دوران کفر جاهلی برگردید؟

در اثر سخنان رسول گرامی صلی الله علیه و آله متوجه شدند که این فتنه، توطئه شیطانی است، از این کار خویش پشیمان شده و سلاح ها را به زمین گذاشتند و در حالی که اشک از دیدگان شان جاری بود، دست در گردن هم انداختند و هم دیگر را غرق بوسه ساخته و در معیت رسول گرامی صلی الله علیه و آله به طرف منازل خود بازگشتند. [24]

4. دعوت به اختلاف، از آثار شوم جاهلیت:

پس از پیروزی مسلمانان در جنگ بنی المصطلق، میان مردی از انصار و مهاجر اختلاف افتاد، مرد انصاری فریاد برآورد و قبیله خود را به کمک خواست و مرد مهاجر نیز با فریاد خود مهاجران را به استمداد طلبید، وقتی این سخن به گوش پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله رسید، فرمود: این سخن زشت و قبیح را کنار بگذارید، چون این رفتار دوران جاهلیت می باشد و خداوند متعال، مؤمنان را برادر یک دیگر قرار داده و از یک حزب و یک گروه به حساب آورده، تمام فریاد خواهی ها در هر زمان و مکان، باید به صلاح اسلام و مسلمانان صورت گیرد، نه این که به صلاح یک دسته و به ضرر دسته دیگر انجام پذیرد و پس از این، هر کس چنین شعار جاهلی سر دهد، مورد نکوهش قرار گرفته و تعزیر خواهد شد [25]

علی (ع) بزرگ منادی و عامل وحدت

علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله خلافت و امامت را حقّ مسلم خویش می دانست و معتقد بود که ربایندگان خلافت، در حقّ او جفا کرده اند: "ما زلت مظلوما منذ قبض الله نبيه صلی الله علیه و آله [26]، او برای اثبات حقانیت خود از هیچ کوششی دریغ ننمود و برای رسیدن به حقّ مسلم خود از همه یاری طلبید [27]، حتی همسر خود را سوار بر مرکبی نموده و به در خانه مهاجران رفت و از آنان استمداد نمود [28] ولی متأسفانه به ندای حضرت پاسخ مثبت ندادند و حضرت جز اهل بیت خویش، کمک و یآوری نداشت و مصلحت ندید که آنان را در مقابل شمشیر مخالفان قرار دهد [29]. علی علیه السلام

چشم خود را در حالی که پر از خار بود فرو بست و با استخوانی مانده در گلو، جام تلخ خانه نشینی را نوشید. [30]

آری، امیر مومنان علیه السلام همین که احساس کرد زمینه برای احقاق حقّ مسلّمش فراهم نیست و قیام او جز تفرقه میان امت اسلامی حاصل دیگری ندارد [31] سخت ترین مصیبت ها را که به مانند تحمل خار در چشم بود و جانکاه ترین دوران را که به منزله استخوان در گلو بود، سپری نمود [32]، ولی حاضر نشد وحدت و انسجام جامعه اسلامی پاشیده شود و حاصل تلاش بیست و سه ساله پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله توسط منافقان و از دین برگشتگان و سیلی خوردگان از اسلام، از بین برود؛ بلکه در هر موردی که تشخیص می داد ره نمودهای او به صلاح اسلام و جامعه اسلامی است از هر گونه مساعدت مضایقه نکرد. [33]

علی علیه السلام با این که در باره خلیفه اول و دوم نظریه مثبتی نداشت و بنا به نقل صحیح مسلم که معتبرترین و صحیح ترین کتاب اهل سنت بعد از قرآن است؛ علی علیه السلام معتقد بودند که آن دو دروغ گو، فریب کار و خائن هستند. [34] ولی وجود این اعتقاد هم باعث نشد که حضرت بدون داشتن نیروی کافی در برابر آنان بایستند و موجب ضعف و تباهی امت اسلامی شود.

آثار شوم اختلاف از دیدگاه علی علیه السلام

1. عامل انحراف فکری:

علی علیه السلام بر این باور بود که "الْخِلَافُ يَهْدِمُ الرَّأْيَ" [35]؛ انسان در محیط آرام می تواند نظریه درست ارائه دهد ولی در جو آکنده از برخورد و اختلاف، دچار انحراف و کج فکری می شود.

2. نشانه بطلان قطعی یکی از دو طرف:

علی علیه السلام معتقد بود که دچار اختلاف شدن همان پیمودن راه باطل بیش نیست و می فرمود:

مَا اخْتَلَفَ دَعْوَتَانِ إِلَّا كَانَتْ إِحْدَاهُمَا ضَلَالَةً [36]؛ اگر دو نظریه در برابر هم قرار گرفت، قطعاً یکی از آن دو باطل است.

یعنی همواره حق در برابر باطل است و این دو هرگز با هم جمع نمی شوند.

3. زمینه ساز تسلط شیطان:

علی علیه السلام برای این که نشان بدهد که تفرق گرایی، نتیجه ای جز طعمه شیطان شدن نیست، می فرمود:

وَالزُّمُومَا السُّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ. وَ إِيَّاكُمْ وَالْفُرْقَةَ! فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ، كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ [37]؛ ملازم جامعه اسلامی باشید، چون دست خدا همواره با جماعت است و از تفرقه به پرهیزید، زیرا گروه اندک، طعمه شیطان می شود، همان طوری که گوسفند رها شده از گله، نصیب گرگ می شود.

4. نشانه پلیدی باطن:

علی علیه السلام برای اثبات پستی و پلیدی تفرقه و اختلاف می فرمود:

"وَإِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ، مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْتُ السَّرَائِرِ، وَسُوءُ الضَّمَائِرِ" [38]؛ همانا شما برادران دینی یکدیگرید؛ چیزی جز درون پلید، و نیت زشت، شما را از هم جدا نساخته است.

5. زمینه ساز فتنه:

علی علیه السلام به خوبی می دانست که شیطان با فراهم ساختن زمینه اختلاف، بستر فتنه

را می گستراند و می فرمود:
 «إِنَّ الشَّيْطَانَ يَسْنِي لَكُمْ طُرُقَهُ، وَ يَرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةَ عُقْدَةٍ، وَيَعْطِيكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ،
 وَبِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ» [39]؛ همانا شیطان، راه های خود را به شما آسان جلوه می دهد، تا گره های
 محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید، و به جای وحدت و هماهنگی، بر پراکندگی شما
 بیفزاید.

6. وجوب نابودی اختلاف افکن:

علی علیه السلام فرمود:

«أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشِّعَارِ فَاقْتُلُوهُ، وَلَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ» [40]؛ آگاه باشید هر کس که
 مردم را به این شعار "تفرقه و جدایی" دعوت کند او را بکشید هر چند که زیر عمامه من باشد.

اهمیت وحدت در عصر حاضر

شکلی نیست که ما در عصری زندگی می کنیم که تمامی دشمنان برای نابودی اسلام هم
 پیمان گشته و همه امکانات سیاسی و اقتصادی خود را برای از بین بردن اسلام از صحنه بین
 الملل به کار گرفته اند.

طرح نوین هانتینگتون، بزرگ نظریه پرداز کاخ سفید و استراتژیست معروف یهودی در کتاب
 برخورد تمدن ها مؤید این مطلب است. [41]

و هم چنین دکتر مایکل برانت، معاون سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در کتاب A
 Plan to divide and despoil the theology "نقشه ای برای جدایی مکاتب الهی" می گوید:

افرادی که با شیعه اختلافات نظر دارند آن ها را علیه شیعه منظم و مستحکم کرده، و کافر بودن
 شیعه گسترش داده شود و آن ها را از جامعه جدا نموده و علیه آن ها مواد نفرت برانگیز نوشته
 شود. [42] بنابراین، در چنین عصری بیش از هر عصر دیگر، مسلمانان نیاز به وحدت دارند و شاید
 بیش از هر زمانی جامعه اسلامی به همکاری و مساعدت یک دیگر نیازمند است.

گِلادِستون [43] نخست وزیر اسبق بریتانیا می گوید: مادام هذا القرآن موجودا فی ایدی
 المسلمین، فلن تستطیع أروبا السيطرة علی الشرق ولا أن تكون هی نفسها فی أمان [44]؛
 مادامی که قرآن در دست مسلمان هاست، اروپا نه می تواند بر شرق تسلط یابد و نه احساس
 امنیت کند.

ین گوریون [45] نخست وزیر سابق دولت غاصب صهیونیستی می گوید: إِنَّ أَخْشَى مَا نَخْشَاهُ
 أَنْ يَظْهَرَ فِي الْعَالَمِ الْعَرَبِيِّ، مُحَمَّدٌ جَدِيدٌ [46]؛ آن چه ما را به وحشت انداخته این است که می
 ترسیم در جهان عرب، محمد تازه ای ظهور کند.

با این که یکی از اصول مسلم مسیحیت، کشته شدن حضرت مسیح به دست یهود بوده و به
 همین سبب، در طول 20 قرن بغض و کینه و عداوت میان آنان حاکم بود، ولی برای ایجاد وحدت
 میان مسیحیت و یهود در برابر مسلمانان، دولت واتیکان طی اطلاعیه رسمی از این اصل صرف
 نظر کرده و یهود را از این جنایت تبرئه می کند.

و جای شگفتی است که این اعلامیه در سال 1393 هجری مطابق با 1973 میلادی هم زمان با
 جنگ اسرائیل با مسلمانان صادر شد، تا بتواند تمام نیروهای یهود و نصاری را در برابر مسلمانان
 بسیج نماید [47]. با توجه به نکات یاد شده، اهمیت سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله
 روشن می شود که می فرماید: "من أصبح ولم يهتم بأمر المسلمین فليس بمسلم؛ کسی که
 به فکر مشکلات برادران دینی خود نباشد، مسلمان نیست" [48]. بدیهی است در موقعیت
 فعلی، هرگونه حرکت مشکوک که موجب تفرقه میان صفوف مسلمانان باشد، به نفع اسلام
 نیست.

و هرگونه فحش و ناسزا پیش از آن که به وحدت میان مسلمانان و تقریب بین مذاهب ضربه بزند، چهره نورانی مکتب اسلام را در سطح بین الملل مخدوش می کند و طبقه تحصیل کرده را به مکتب نورانی اسلام بدبین می سازد.

اهداف وحدت

از مسایلی که مورد اختلاف میان صاحب نظران اسلامی است تعریف جامع از اهداف وحدت می باشد و باید روشن شود که هدف از وحدت، یکی کردن مذاهب و از بین بردن دیگر مذاهب نیست و غرض مؤسسان تقریب هم، جایگزینی اشعری به جای معتزله و تبدیل سنی به شیعه و حنفی به حنبلی و یا به عکس نبوده است؛ زیرا این امر نه تنها کاری دشوار بلکه امری غیر ممکن می باشد؛ بلکه همّت آنان نزدیک نمودن صاحبان مذاهب مختلف به هم دیگر با تکیه بر مشترکات و قرار دادن همه مسلمانان در صف واحد در برابر دشمنان قسم خورده اسلام بوده است.

مرحوم شیخ محمد تقی قمی، مؤسس "دار التقرب بین المذاهب الإسلامیه" و نماینده حضرت آیه الله العظمی بروجردی در مدرسه فیضیه می گفت:

هدف از تأسیس این مرکز، تقریب میان مذاهب است نه توحید مذاهب؛ یعنی هدف این نیست که شیعه از اصول و معتقدات خودش فاصله بگیرد و یا سنی از مبانی اعتقادی اش دست بردارد.

علت فاصله میان مذاهب، عدم آشنایی صحیح از مبانی فکری یک دیگر است و با تأسیس این مرکز، صاحبان اندیشه های هر یک از مذاهب، با حفظ مبانی اعتقادی خود و احترام به معتقدات هم دیگر، مسایل اختلافی را در محیطی آرام مطرح نمایند. تا ضمن آشنایی با افکار هم دیگر و مشترکات میان مذاهب، تفاهم بیشتری داشته باشند. که این قضیه در نهایت به نفع شیعه است.

در 24 ژوئن 2001، برابر با سوم تیر 1380، شبکه تلویزیونی ANN در لندن، میزگردی درباره تقریب بین مذاهب اسلامی و وحدت مسلمانان، با شرکت جمعی از متفکران ایرانی، لبنانی، مصری و بریتانیایی تشکیل داده بود، آقای شیخ محمد عاشور، معاون دانشگاه "الأزهر" و رئیس کمیته گفت و گوی بین مذاهب اسلامی که به صورت تلفنی با برنامه در تماس بود، گفت:

فكرة التقرب بين المذاهب الإسلامية لاتعنى توحيد المذاهب الإسلامية ولاصرف أى مسلم مذهبه وصرف المسلم عن مذهبه تحت التقرب تضليل فكرة التقرب. .. فإن الاجتماع على فكرة التقرب يجب أن يكون أساسه البحث والإقناع والافتناع، حتى يمكن لسلاح العلم والحجة محاربة الأفكار الخرافية. .. وأن يلتقى علماء المذاهب ويتبادلون المعارف والدراسات ليعرف بعضهم بعضا فى هدوء العالم المثبت الذى لاهم له إلا أن يدري ويعرف ويقول فينتج[49]؛ هدف از اندیشه تقریب بین مذاهب اسلامی، یکی کردن همه مذاهب و روی گردانی از مذهبی و روی آوردن به مذهبی دیگر نیست که این به بی راهه کشاندن اندیشه تقریب است، تقریب باید بر پایه بحث و پذیرش علمی باشد تا بتوان با این اسلحه علمی به نبرد با خرافات پرداخت و باید دانشمندان هر مذهبی در محیطی آرام در گفت و گوهای علمی خود دانش خود را مبادله کنند، و نتیجه بگیرند.

برداشت انحرافی از وحدت در نگاه شهید مطهری

شهید مطهری در زمینه ارائه برداشت غلط از وحدت اسلامی می نویسد:

"... بدون شک نیاز مسلمین به اتحاد و اتفاق از مبرم ترین نیازهاست و درد اساسی جهان اسلام همین کینه های کهنه میان مردم مسلمان است. دشمن هم همواره از همین ها استفاده می کند. ...

مفهوم اتحاد اسلامی که در صد سال اخیر میان علما و فضلاء مؤمن و روشن فکر اسلامی، از اصول اعتقادی و یا غیر اعتقادی خود صرف نظر کنند و به اصطلاح، مشترکات همه فرق را بگیرند و مختصات همه را کنار بگذارند، چه این کار، نه منطقی است و نه عملی. چگونه ممکن است از پیروان یک مذهب تقاضا کرد که به خاطر مصلحت حفظ وحدت اسلام و مسلمین از فلان اصل اعتقادی یا عملی خود که به هر حال به نظر خود آن را جزء متن اسلام می داند صرف نظر کند؟ در حکم این است که از او بخواهیم به نام اسلام از جزیی از اسلام چشم بپوشد. .. [50]. ما خود شیعه هستیم و افتخار پیروی اهل البیت علیهم السلام را داریم، کوچک ترین چیزی حتی یک مستحب و یا مکروه کوچک را قابل مصالحه نمی دانیم، نه توقع کسی را در این زمینه می پذیریم و نه از دیگران انتظار داریم که به نام مصلحت و به خاطر اتحاد اسلامی از یک اصل از اصول خود دست بردارند آن چه ما انتظار و آرزو داریم این است که محیط حسن تفاهم به وجود آید تا ما که از خود اصول و فروعی داریم، فقه، حدیث، کلام، فلسفه و ادبیات داریم، بتوانیم کالای خود را به عنوان بهترین کالا عرضه بداریم تا شیعه بیش از این در حال انزوا به سر نبرد و بازارهای مهم جهان اسلامی به روی کالای نفیس معارف اسلامی شیعی بسته نباشد. [51]

آیا اخذ به مشترکات امکان پذیر است؟

شهید مطهری در ادامه سخنان خود می نویسد:

اخذ مشترکات اسلامی و طرد مختصات هر فرقه ای نوعی خرق اجماع مرکب است، محصول آن چیزی است که قطعا غیر از اسلام واقعی است؛ زیرا بالاخره مختصات یکی از فرق، جزء متن اسلام است و اسلام مجرد از همه این مشخصات و ممیزات و مختصات، وجود ندارد. گذشته از همه این ها طراحان فکر عالی اتحاد اسلامی که در عصر ما مرحوم آیه الله العظمی بروجردی قدس سره در شیعه و علامه شیخ عبدالمجید سلیم و علامه شیخ محمود شلتوت در اهل تسنن در رأس آن قرار داشتند چنان طرح را در نظر نداشتند. آن چه که آن بزرگان در نظر داشتند این بود که فرقه های اسلامی در عین اختلافاتی که در کلام، فقه و غیره باهم دارند به واسطه مشترکات بیشتری که در میان آن ها هست می توانند در مقابل دشمنان خطرناک اسلام دست برادری بدهند و جبهه واحدی تشکیل دهند. این بزرگان هرگز در فکر طرح وحدت مذهبی تحت عنوان وحدت اسلامی که هیچ گاه عملی نیست، نبودند. [52]

حزب واحد یا جبهه واحد، کدامیک؟

شهید مطهری می افزاید:

در اصطلاحات معمولی عرف، فرق است میان حزب واحد و جبهه واحد، وحدت حزبی ایجاب می کند که افراد از نظر فکر و ایدئولوژی و راه و روش و بالاخره همه خصوصیات فکری به استثنای مسایل شخصی یک رنگ و یک جهت باشند.

اما معنای وحدت جبهه این است که احزاب و دستجات مختلف در عین اختلاف در مسلک و ایدئولوژی و راه و روش، به واسطه مشترکاتی که میان آن ها هست در مقابل دشمن مشترک، در یک صف، جبهه بندی کنند.

و بدیهی است که صف واحد در برابر دشمن تشکیل دادن با اصرار در دفاع از مسلک خود و انتقاد از مسلک های برادر و دعوت سایر برادران هم جبهه به مسلک خود به هیچ وجه منافات ندارد.

آن چه مخصوصا مرحوم آیه الله العظمی بروجردی بدان می اندیشید این بود که زمینه را برای پخش و انتشار معارف اهل البیت علیهم السلام در میان برادران اهل سنت فراهم کند و معتقد بود که این کار، جز با ایجاد حسن تفاهم، امکان پذیر نیست، توفیقی که آن مرحوم در طبع

برخی کتب فقهی شیعه در مصر به دست خود مصریان در اثر حسن تفاهمی که به وجود آورده بود کسب کرد از مهم ترین موفقیت های علمای شیعه است. جزاه الله عن الإسلام والمسلمین خیر الجزاء. [53]

آیا بحث امامت اختلاف انگیز است؟

شاید به ذهن برخی خطور کند که طرح مسایل اختلافی میان شیعه و سنی و یا شیعه و وهابیت با جریان وحدت میان مسلمانان منافات دارد و زمینه رنجش خاطر بعضی را فراهم می آورد و یا این که موجب تفرقه گردد. دیدگاه شهید مطهری:

شهید مطهری در این باره می گوید:

به هر حال طرف داری از تز "اتحاد اسلامی" ایجاب نمی کند که در گفتن حقایق کوتاهی شود، آن چه نباید صورت گیرد، کارهایی است که احساسات و تعصبات و کینه های مخالف را برمی انگیزد، اما بحث علمی سروکارش با عقل و منطق است، نه عواطف و احساسات. [54]

نقطه نظر آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی می فرماید:

بعضی تا سخن از مسئله امامت به میان می آید فوراً می گویند: امروز، روز این حرف ها نیست! امروز روز وحدت مسلمین است و گفت و گو از جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله مایه تفرقه و پراکندگی است.

ما امروز دشمنان مشترکی داریم که باید به فکر آن ها باشیم؛ صهیونیسم و استعمار غرب و شرق و بنابراین، این مسایل اختلافی را باید کنار بگذاریم؛ ولی این طرز تفکر مسلماً اشتباه است زیرا:

اولاً: آن چه مایه اختلاف و پراکندگی است جرّ و بحث های تعصب آمیز و غیر منطقی و پرخاش گری های کینه توزانه است. ولی بحث های منطقی و مستدل و دور از تعصب و لجاجت و پرخاشگری، در محیطی صمیمانه و دوستانه، نه تنها تفرقه انگیز نیست، بلکه فاصله ها را کم می کند و نقاط مشترک را تقویت می نماید.

من در سفرهای خود به حجاز برای زیارت خانه خدا کراراً بحث هایی با علما و دانشمندان اهل سنت داشته ام، هم ما و هم آن ها احساس می کردیم این بحث ها نه تنها سوء اثری در مناسبات ما ندارد؛ بلکه باعث تفاهم و خوش بینی بیشتر می شود، فاصله ها را کمتر می کند و کینه های احتمالی را از سینه ها می شوید.

مهم این است که در این بحث ها روشن می شود ما با یک دیگر نقطه های مشترک فراوانی داریم که می توانیم در برابر دشمنان مشترک، روی آن تکیه و تأکید کنیم. [55]

دیدگاه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی:

حضرت آیه الله العظمی فاضل لنکرانی رحمه الله در پیام خود به مناسبت ایام فاطمیه سال 1382 فرمود:

"بزرگداشت شهادت این بانوی بزرگوار که اولین و باشخصیت ترین شهیده راه ولایت است، تجدید عهد با مقام شامخ ولایت که اکمال دین و اتمام نعمت خداوند با آن است، می باشد.... در این جا تذکر مجدّد این نکته را لازم می دانم که تعظیم این ایام و به پا داشتن مجالس عزا و مصیبت از سیره مسلّمه و عملی امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - بود و این امر ارتباطی به قضیه وحدت ندارد.

مسئله وحدتی را که امام بزرگوار و آیه الله بروجردی - قدس سرهما - بر آن تأکید داشتند نه به

این معنا است که شیعه نسبت به اعتقادات مسلمّه خود سکوت کند یا آن را نادیده بگیرد بلکه مقصود وحدت تمامی مسلمین در برابر استکبار جهانی است که داعیه قدرت منحصره دارد و با الهام از صهیونیزم در فکر فرو پاشیدن مبانی متقن اسلام است.

اینک بر عموم شیعیان است که در روز سوم جمادی الثانیه که از طرف دولت جمهوری اسلامی تعطیل رسمی است، محافل و مجالس عزا اقامه نموده و با دستجات عزادار در کوچه ها و خیابان ها ظاهر شوند تا گوشه ای از حقّ آن شهید را ادا کرده باشیم.

ایشان در پیام خود به مناسبت فاطمیه سال 1381 نیز فرمودند: "صحیح است که مسئله وحدت مورد تأکید معمار بزرگ انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره بود؛ امّا مقصود آن حضرت این نبود که شیعه از مبانی اعتقادی متقن و محکم خویش دست بردارد و شاهد کذب و دروغ حتی نسبت به فاطمه زهرا علیهاالسلام باشد. [56]

نظر امام جمعه زاهدان:

مولوی عبدالحمید امام جمعه زاهدان در خطبه نماز جمعه 17 بهمن 1385، گفتند:

"هرکسی هر استدلالی دارد باید در چارچوب عقل و منطق مطرح کند و کسی گلیه ندارد، ولی توهین به مقدّسات در هیچ مذهبی جایز نیست و هرکسی که روا بداند این برخلاف نصّ قرآن و سنت است، ما حتی به مقدّسات یهود و نصاری هم نباید اهانت کنیم". [57]

راهی که پیامبر اکرم (ص) برای وحدت ترسیم نمود

الف: پیشگویی از تفرقه تلخ و شکننده میان امت اسلامی:

شکی نیست که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله از آینده امت اسلامی و از اختلافی که پس از ایشان ایجاد می شد، باخبر بود و از این رو، از پی آمد تلخ تفرقه میان آنان هشدار داده، با صراحت فرمود:

تفرقت اليهود علی إحدی وسبعین فرقة أو اثنتین وسبعین فرقة والنصاری مثل ذلک وتفترق امتی علی ثلاث وسبعین فرقة؛ [58]

همان طوری که امت موسی و عیسی به هفتاد و یک و یا هفتاد و دو فرقه منشعب شدند امت من نیز به هفتاد و سه فرقه متفرّق خواهند شد.

و در برخی دیگر از روایات آمده که حضرت فرمود:

کلّهم فی النار إلاّ ملّة واحدة [59]؛ یعنی جز یک فرقه، تمام فرقه ها در آتش هستند.

و نیز تردیدی نیست که اختلاف عمده امت اسلامی بر سر رهبری بود. چنان که شهرستانی، عالم مشهور اهل سنت می گوید:

وأعظم خلاف بین الأمة خلاف الإمامة، إذ ما سلّ سيف فی الإسلام علی قاعدة دینیة مثل ما سلّ علی الإمامة فی کلّ زمان [60]؛ بزرگ ترین اختلاف میان امت اسلامی اختلاف در امامت بود و هیچ زمان نسبت به یک امر دینی همانند امر امامت شمشیر کشیده نشده است.

در این جا این پرسش ها مطرح می شود: آیا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که با تلاش بیست و سه ساله خویش حکومت اسلامی را تأسیس نمود، نسبت به آینده آن بی تفاوت بوده است؟

آیا بدون انتخاب جانشین برای هدایت و سرپرستی امت اسلامی، دار فانی را وداع فرموده است؟

آیا رسول الله صلی الله علیه و آله راهی برای جلوگیری از تفرقه و اختلاف معین ننموده است؟ این پرسش ها و صدها سؤال دیگر که نیازمند پاسخ صحیح از ناحیه کسانی است که عقیده دارند پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله جانشین بعد از خویش را معین نفرمود و موضوع انتخاب

را به عهده امت واگذار نمود.

ب: تمسک به قرآن و عترت تنها راه وحدت:

با مراجعه به کتاب های فریقین (شیعه و سنی) درمی یابیم که رسول گرامی صلی الله علیه و آله راه را برای رفع اختلاف و ایجاد وحدت برای ملت اسلامی نشان داده و تکلیف را برای همگان روشن ساخته است.

ایشان تنها عامل وحدت را "تمسک به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام" معین فرموده است.

می توان گفت: بهترین عامل، بلکه منحصرترین راه برای تقریب میان مذاهب و وحدت میان مسلمانان، عمل به توصیه رسول اکرم صلی الله علیه و آله در تمسک به قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که ضامن هدایت و بیمه از هر گونه ضلالت و گمراهی است، می باشد.

رسول گرامی صلی الله علیه و آله بارها نسبت به تمسک مردم به قرآن و اهل بیت علیهم السلام گوشزد نمود و فرموده است:

إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ مَا إِن تَمَسَّكُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ، كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي وَلَنْ يَتَفَرَّقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا [61]؛ من دو چیز گران بها در میان شما به یادگار می گذارم، اگر به آن دو چنگ زدید، هیچ گاه گمراه نخواهید شد، یکی از این دو، بزرگ تر و مهم تر از دیگری است، کتاب خدا (قرآن) این ریسمان الهی که از آسمان تا زمین کشیده شده است و عترت و خاندان من، این دو از هم دیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر من وارد شوند، پس ببیندیشید که چگونه حق مرا در باره این دو ادا می کنید.

برخی از بزرگان اهل سنت این روایت را صحیح شمرده اند [62].

در برخی از روایات به جای ثقلین تعبیر به دو خلیفه و جانشین شده است:

إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ خَلِيفَتَيْنِ: كِتَابُ اللَّهِ.. وَعِترَتِي أَهْلُ بَيْتِي، وَأَنْهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ [63]؛ من دو جانشین در میان شما می گذارم: کتاب خدا و عترت و اهل بیت من و آن دو از هم جدا نخواهند شد تا در کنار حوض به من ملحق شوند.

و در بعضی از روایات آمده است:

فَلَا تَقْدَمُوهَا فَتَهْلِكُوا، وَلَا تُقْصِرُوا عَنْهَا فَتَهْلِكُوا، وَلَا تَعْلَمُوهَا فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْكُمْ [64]؛ بر آنان پیشی نگیرید و فاصله نداشته باشید که موجب هلاکت است و در مقام آموزش به آنان نباشید که آنان از همه شما داناترند.

ج: تفسیر حبل الله به اهل بیت علیهم السلام:

برخی از مفسران بزرگ اهل سنت مانند فخر رازی این حدیث را در ذیل آیه "وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا [65]" [66] آورده اند. هم چنین آلوسی که تفکر سلفی و وهابی دارد این حدیث را در تفسیر آیه شریفه از زید بن ثابت نقل کرده، می گوید: "وورد بمعنی ذلک أخبار كثيرة [67]؛ به این مضمون، روایات زیادی وارد شده است". ثعلبی متوفای 427، از مفسران اهل سنت در تفسیر آیه شریفه از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود:

نحن حبل الله الذي قال الله: "وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا" [68] و [69]؛ ما اهل بیت، همان ریسمان خداوندی هستیم که خداوند در قرآن فرموده: همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و دچار تفرقه نشوید.

حاکم حسکانی (متوفای حدود 470) از علمای اهل سنت نیز از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود:

من أحبّ أن يركب سفينة النجاة ويتمسك بالعروة الوثقى ويعتصم بحبل اللّٰه المتين فليوال عليا وليأتمّ بالهداة من ولده [70]؛ هر کس دوست دارد که سوار کشتی نجات شود و به ستون قابل اعتماد تکیه کند و به ریسمان محکم الهی چنگ زند، علی را ولی خود انتخاب کند و فرزندان هدایت گر علی را امامان خویش قرار دهد.

پی نوشت ها

- [1] . ابن اثیر می نویسد: " ذکر خروج التتر إلى بلاد الإسلام: لقد بقيتُ عدة سنين معرضا عن ذكر هذه الحادثة، استعظاما لها كارها لذكرها فأنا أقدم إليه [رجلا] وأوءخر أخرى، فمن الذي يسهل عليه أن يكتب نعي الإسلام والمسلمين ومن الذي يهون عليه ذكر ذلك، فيأليت أمي لم تلدني ويأليتني مت قبل هذا وكنت نسيا منسيا". الكامل في التاريخ، ج 12، ص 358.
- [2] . برای آگاهی بیشتر، ر.ک: وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی، تألیف دانشمند فرزانه و فقیه توانا حضرت آیه الله العظمی سبحانی، ص 21 و 24.
- و برای آگاهی از جنایات مغول و روابط آنان با صلیبیان بر ضدّ اسلام، ر.ک: عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مغول، ص 197، 226 و 191 به بعد.
- [3] . همان.
- [4] . "من خلال معرفة سماحتكم بتاريخ الرافضة، ما هو موقفكم من مبدأ التقريب بين أهل السنة وبينهم؟"
- [5] . مجموع فتاوا و مقالات بن باز، ج 5، ص 156.
- [6] . برای آگاهی بیشتر، ر. ک: مسألة التقريب بين أهل السنة والشيعة، ج 2، ص 253، (چاپ پنجم).
- [7] . جريدة الرسالة الجمعة، 7 رجب 1426 هـ. الموافق 12 أغسطس 2005 م.
- [8] . صحيفه امام ج 21 ص 80، پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد کشتار مکه.
- [9] . وصیت نامه سیاسی و الهی امام خمینی، 26 بهمن 1361 - 1 جمادی الاولی 1403
- [10] . پیام معظم له به مناسبت تخریب مجدد حرمین شریفین عسکریین علیهما السلام، 86/3/23.
- [11] . پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری farsi.khamenei.ir.
- [12] . سایت: salaf.blogfa.com/post-406.aspx به نقل از خبرگزاری ایرنا، دوشنبه پنجم آذر 1386.
- [13] . بیانات معظم له در ابتدای درس خارج به مناسبت سال روز تخریب قبور ائمه بقیع، هشتم شوال 1427، دهم آبان 1385.
- [14] . برای آگاهی بیشتر، ر. ک: آیه الله العظمی صافی گلپایگانی، صوت الحق، ص 17.
- [15] . سایت موءسسسه آموزش مذاهب اسلامی، www.mazaheb.com، خبرگزاری فارس، www.farsnews.net.
- [16] . انفال (8) آیه 60.
- [17] . آل عمران (3) آیه 103.
- [18] . انبیاء (21) آیه 92.
- [19] . حجرات (49) آیه 10.
- [20] . انعام (8) آیه 65.
- [21] . النهایة فی غریب الحدیث، ج 2، ص 520.
- [22] . انعام (8) آیه 159.
- [23] . روم (30) آیه 32.

[24] . فعرف القوم أنها نزغة من الشيطان وكيد من عدوهم لهم فألقوا السلاح وبكوا وعانق الرجال بعضهم بعضاً ثم انصرفوا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم سامعين مطيعين قد أطفأ الله عنهم كيد عدو الله شاس". در المنثور، ج 2، ص 57؛ جامع البيان، ج 4، ص 32؛ فتح القدير، ج 1، ص 368؛ تفسير آلوسی، ج 4، ص 14 و أسد الغابه، ج 1، ص 149.

[25] . دعوها فإنها منتنة. .. یعنی آنها کلمه خبیثه، لأنها من دعوی الجاهلیة واللّه سبحانه جعل المؤمنین إخوة وصیرهم حزبا واحدا، فینبغی أن تكون الدعوة فی کلّ مکان وزمان لصالح الإسلام والمسلمین عامّة لا لصالح قوم ضدّ الآخرين، فمن دعا فی الإسلام بدعوی الجاهلیة یعزّر". سیره نبویه، ج 3، ص 303، غزوه بنی المصطلق و مجمع البیان، ج 5، ص 293، رسائل و مقالات، ج 1، ص 431.

[26] . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 283، الشافی فی الإمامه، ج 3، ص 110. ر.ک: الامامة والسیاسه، تحقیق الشیری، ج 1 ص 68، تحقیق الزینی، ج 1، ص 49 و بحار الأنوار، ج 29، ص 628.

[27] . ابن قتیبہ دینوری نقل می کند: علی علیه السلام در همان روزهای اول رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و نشستن ابوبکر بر مسند خلافت مهاجران را مورد خطاب قرار داد و حقانیت خود را برای آنان بازگو کرد و شایستگی خود را برای مسند خلافت مطرح نمود. سخنان حضرت آن چنان در مخاطبان تأثیر گذاشت که بشیر بن سعد گفت: یا علی! اگر انصار پیش از بیعت با ابوبکر این سخن تو را می شنید، حتی دو نفر در حقانیت تو اختلاف نمی کرد. مشروح سخنان حضرت این چنین است: "اللّه اللّه یا معشر المهاجرین! لاتخرجوا سلطان محمد فی العرب عن داره وقعر بیته، إلی دورکم وفعور بیوتکم، ولا تدفعوا أهله عن مقامه فی الناس وحقّه، فواللّه یا معشر المهاجرین، لنحن أحقّ الناس به. لأننا أهل البيت، ونحن أحقّ بهذا الأمر منکم ما کان فینا القارئ لکتاب اللّه، الفقیه فی دین اللّه، العالم بسنن رسول اللّه، المضطلع بأمر الرعیة، المدافع عنهم الأمور السيئة، القاسم بینهم بالسویة، واللّه إنّه لفینا، فلا تتبعوا الهوی فتضلّوا عن سبیل اللّه، فتتردادوا من الحقّ بعدا".

بشیر بن سعد الأنصاری گفت: "لو کان هذا الکلام سمعته الأنصار منک یا علی قبل بیعتها لأبی بکر، ما اختلف علیک اثنان". الامامة والسیاسه، تحقیق الزینی، ج 1، ص 19.

[28] . ابن قتیبہ می گوید: "وخرج علی - کرم اللّه وجهه - یحمل فاطمة بنت رسول اللّه [صلی الله علیه و آله وسلم] علی دابة لیلاً فی مجالس الأنصار تسألهم النصرة، فکانوا یقولون: یا بنت رسول اللّه! قدمضت بیعتنا لهذا الرجل ولو أنّ زوجک وابن عمک سبق إلینا قبل أبی بکر ما عدلنا به.

فیعول علی - کرم اللّه وجهه -: أفكنت أدع رسول اللّه [صلی الله علیه و آله وسلم] فی بیته لم أدفنه، وأخرج أنزع الناس سلطانه؟ فقالت فاطمة: ما صنع أبو الحسن إلا ما کان ینبغی له، ولقد صنعوا ما للّه حسیبهم وطالبهم". الامامة والسیاسه، تحقیق الزینی، ج 1، ص 19.

[29] . علی علیه السلام در خطبه 217 نهج البلاغه می فرماید: "فَنظَرْتُ فَإِذَا لَيْسَ لِي مُعِينٌ إِلَّا أَهْلُ بَيْتِي فَصَنَيْتُ لَهُمْ عَن الْمَوْتِ"؛ پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و بی وفاپی یاران به اطراف خود نگاه کرده باوری جز اهل بیت خود ندیدم که اگر یاری کنند، کشته خواهند شد و به مرگ آنان رضایت ندادم.

[30] . مولا علی علیه السلام فرمود: "وَ أَغْضَيْتُ عَلَى الْقَدَى وَ شَرَبْتُ عَلَى الشَّجَا وَ صَبَرْتُ عَلَى أَخْذِ الْكَطَمِ وَ عَلَى أَمْرٍ مِنْ طَعْمِ الْعَلَقَمِ؛ چشم پر از خار و خاشاک را ناچار فرو بستم و با گلوپی که استخوان شکسته در آن گیر کرده بود، جام تلخ حوادث را نوشیدم و خشم خویش فرو بردم و بر نوشیدن جام تلخ تر از گیاه حنظل، شکیبایی نمودم". نهج البلاغه، خطبه 217.

[31]. علی علیه السلام فرمود: "وَأیم الله لولا مخافة الفرقة بين المسلمين. .. لكننا على غير ما كنا لهم عليه؛ اگر ترس تفرقه میان مردم نبود با هیئت حاکمه طور دیگر برخورد می کردم". ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 1، ص 307 و مفید ارشاد، ج 1، ص 245.

[32]. حضرت در خطبه سوم نهج البلاغه می فرماید: "صبرت وفى العين قذى وفى الحلق شجى أرى ترائى نهياً؛ صبر پیشه کردم در حالی که خار در چشم و استخوان در گلویم بود و می نگرستم که چگونه حق و میراث مرا به غارت می برند.

[33]. نهج البلاغه، نامه 62: "حَتَّى رَأَيْتُ رَاجِعَةَ النَّاسِ قَدْ رَجَعَتْ عَنِ الْأَسْلَامِ، يَدْعُونَ إِلَيَّ مَحَقَّ دِينَ مُحَمَّدٍ [صلى الله عليه و آله وسلم] فَخَشِيْتُ إِنْ لَمْ أَنْصُرْ الْأَسْلَامَ وَ أَهْلَهُ أَنْ أَرَى فِيهِ ثَلْمًا أَوْ هَدْمًا... فَتَهَضَّتْ فِي تِلْكَ الْأَحْدَاثِ حَتَّى زَاغَ الْبَاطِلُ وَزَهَقَ، وَأَطْمَأَنَّ الدِّينُ وَتَنَهَتْهُ؛ تا آن جا که دیدم گروهی از اسلام بازگشته، می خواهند دین محمد صلی الله علیه و آله را نابود سازند، پس ترسیدم که اگر اسلام و طرف دارانش را یاری نکنم، رخنه ای در آن بینم یا شاهد نابودی آن باشم. .. پس در میان آن آشوب و غوغا بپاخاستم تا آن که باطل از میان رفت و دین استقرار یافته، آرام شد".

[34]. بنا به نقل مسلم، عمر بن خطاب خلیفه دوم، جناب عباس و حضرت علی علیه السلام را خطاب کرده و می گوید: "فَلَمَّا تُوقِي رَسُولُ اللَّهِ [صلى الله عليه و آله] قَالَ أَبُو بَكْرٍ أَنَا وَوَلِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ .. فَرَأَيْتُمَاهُ كَاذِبًا آثِمًا غَادِرًا خَائِنًا... ثُمَّ تُوَقِي أَبُو بَكْرٍ وَأَنَا وَوَلِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلِي أَبِيبَكْرٍ فَرَأَيْتُمَانِي كَاذِبًا آثِمًا غَادِرًا خَائِنًا...؛ پس از رحلت رسول گرامی [صلى الله عليه و آله] که ابوبکر گفت خلیفه پیامبر است نظر شما دو نفر این بود که وی دروغ گو، گنه کار، فریب کار و خائن هست و هم چنین پس از فوت ابوبکر، من (عمر) گفتم که خلیفه پیامبر و ابوبکر هستم، شما مرا نیز دروغ گو، گنه کار، فریب کار و خائن دانستید. صحیح مسلم، ج 5 ص 152، ح 4468، کتاب الجهاد، باب 15، حکم الفئ.

[35]. نهج البلاغه، حکمت 215.

[36]. نهج البلاغه، حکمت 183.

[37]. نهج البلاغه، خطبه 126.

[38]. نهج البلاغه خطبه 113.

[39]. نهج البلاغه خطبه 121.

[40]. نهج البلاغه خطبه 127.

[41]. در تابستان 1993 میلادی، ساموئل هانتینگتون رئیس مؤسسه استراتژیک دانشگاه هاروارد در شماره تابستانی نشریه فارین افرز در مقاله ای می گوید: سیاست جهانی اینک وارد مرحله جدیدی شده است. او جهان آینده را عرصه کنش و واکنش بین هفت یا هشت تمدن بزرگ می داند، تمدن غربی، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلاوی ارتدکسی، آمریکای لاتین و احتمالاً آفریقایی. فرضیه او این است که اصولاً نقطه اصلی برخورد در این جهان نو، نه رنگ و بوی ایدئولوژیکی دارد و نه بوی اقتصادی، شکاف های عمیق میان افراد و به اصطلاح نقطه جوش برخوردها دارای ماهیت فرهنگی خواهد بود. پس دولت ملّت ها نیرومندترین بازی گران در عرصه جهان باقی خواهند ماند. لیکن درگیری اصلی در صحنه سیاست خارجی میان ملّت ها و گروه هایی با تمدن های مختلف روی خواهد داد.

هانتینگتون کانون درگیری در آینده نزدیک را میان غرب و چند کشور اسلامی کنفوسیوسی می داند. او سپس با ذکر این نکته که مفهوم تمدن جهانی، از تمدن غرب برآمده است به برتری پیروزی تمدن غربی تصریح می کند.

هانتینگتون، طی مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی "سی. ان. ان. ترک" واقعه یازده سپتامبر را

نماد بارز نظریه برخورد تمدن ها که تقریباً یک دهه پیش مطرح شده است، دانست. رویداد یازده سپتامبر روابط جهان اسلام و غرب را دگرگون کرد، به طوری که احساسات ضد آمریکایی در جهان اسلام (به خصوص خاورمیانه) و در مقابل احساسات ضد اسلامی در غرب شدت یافت. [42]. روزنامه جمهوری اسلامی، تاریخ 1383/3/5 و هفته نامه افق حوزه، تاریخ 1383/2/28.

[43]. Gladstone سیاستمدار انگلیسی (1809 - 1898) رهبر لیبرال ها بود و چهار بار به مقام نخست وزیری انگلستان رسید.

[44]. الإسلام علی مفترق الطرق، ص 39.

[45]. بن گوریون Ben Gurion کسی است که نام "اسرائیل" را بر رژیم صهیونیستی نهاد و 9 بار به نخست وزیر رژیم صهیونیستی رسید. او زندگی خود را وقف صهیونیسم کرد، جنگ اشغال فلسطین را در سال 1948 فرماندهی کرد. از جمله رخ دادهایی که در دوره نخست وزیری وی صورت گرفت می توان به موارد زیر اشاره نمود:

1. جنگ 1948 که باعث بوجود آمدن رژیم صهیونیستی شد.

2. موج های بی سابقه مهاجرت یهودیان.

3. افزایش شهرک های صهیونیست نشین.

4. حمله مشترک و سه گانه رژیم صهیونیستی، انگلیس و فرانسه علیه مصر در سال 1956.

[46]. روزنامه الکفاح الإسلامی، سال 1955. م، هفته دوم، ماه نیسان.

[47]. مع رجال الفكر فی القاهرة، ج 1، ص 162.

[48]. افی، ج 2، ص 163.

[49]. مطارحات فکریة فی القنوات الفضائیة، شماره 3، رجب سال 1422، ص 19 و بازخوانی اندیشه تقریب، ص 31.

[50]. امامت و رهبری، انتشارات صدرا، چاپ سوم، زمستان 1364، ص 16.

[51]. همان، ص 17.

[52]. همان، ص 18.

[53]. همان، ص 18.

[54]. همان، ص 19.

[55]. پنجاه درس اصول عقائد، ص 227.

[56]. به نقل از: سایت معظّم له.

[57]. به نقل از: سایت رسمی حوزه علمیه زاهدان sonnionain.com.

[58]. سنن ترمذی، ج 4، ص 134، ح 2778، أبواب الإیمان، باب افتراق الأمة؛ مسند أحمد، ج 2، ص 332، ح 1203 و سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1321، ح 3991.

ترمذی گفته است: "حدیث اَبی هریره، حدیث حسن"؛ حدیث ابوهریره، حدیث خوب است. سنن ترمذی، ج 4، ص 134، ح 2778.

ناصر الدین البانی وهابی گفته است: "این حدیث صحیح است". سلسله الأحادیث الصحیحة، ج 1، ص 358، ح 204 و ج 3، ص 480، ح 1492.

حاکم نیشابوری گفته است: "هذا حدیث صحیح علی شرط مسلم ولم یخرجاه"؛ این حدیث بر مبنای شرایط مسلم، صحیح است. مستدرک، ج 1، ص 128 و 6، ج 4، ص 430. هیثمی نیز حدیث را صحیح می داند. مجمع الزوائد، ج 1، ص 179 و 189.

[59]. سنن ترمذی، ج 4، ص 135، ح 2779.

رک: مسند أحمد، ج 3، ص 145، مستدرک، ج 1، ص 129؛ مجمع الزوائد، ج 1، ص 189 و ج 6، ص 233 و 226؛ مصنف عبدالرزاق صنعانی، ج 10، ص 155 و 156؛ عمرو بن اَبی عاصم، کتاب

- السنة، ص 7 و كشف الخفاء عجلونى، ج 1، ص 149 و 309.
- [60]. ملل و نحل، 30.
- [61]. صحيح ترمذى، ج 5، ص 329، ح 3876، در المنثور، ج 6، ص 7 و 306؛ صواعق المحرقة، ص 147 و 226؛ أسد الغابة، ج 2، ص 12 و تفسير ابن كثير، ج 4، ص 113.
- [62]. ابن كثير دمشقى سلفى متعصب مى نويسد: "وقد ثبت فى الصحيح أنّ رسول الله صلى الله عليه و آله قال فى خطبته بغدير خم: "إِنّى تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتى وإنهما لم يفترقا حتى يردا على الحوض؛ در روايت صحيح آمده كه رسول اكرم صلى الله عليه و آله در خطبه غدیر فرمود: من دو چیز گران بها در میان شما مى گذارم، كتاب خدا و عترت خود و این دو از یک دیگر جدا نخواهند شد تا نزد حوض كوثر به من ملحق شوند". تفسير ابن كثير، ج 4، ص 122.
- و هم چنین گفته: "قال شيخنا أبو عبد الله الذهبي: وهذا حديث صحيح؛ استاد من، ذهبى گفته است كه این روايت صحيح است. بداية ونهاية، ج 5، ص 228.
- ناصر الدين البانى وهّابى نیز به صحت حديث ثقلين تصريح کرده است. صحيح الجامع الصغير، ج 2، ص 217، ح 2454 و ج 1، ص 482، ح 2457.
- حاکم نیشابورى گفته است: "هذا حديث صحيح على شرط الشيخين ولم يخرجاه بطوله؛ این حديث مطابق شرط بخارى و مسلم صحيح است و آن دو در كتاب صحيح خویش نیاورده اند". مستدرک، ج 3، ص 109.
- هيثمى نیز حديث را صحيح شمرده است. مجمع الزوائد، ج 1، ص 170.
- ابن حجر مکی در کتابی كه بر ضدّ شيعة نوشته گفته است: "روى هذا الحديث ثلاثون صحابيا وإن كثيرا من طرقه صحيح وحسن؛ این روايت را سى نفر از صحابه نقل کرده اند و بسيارى از سندهاى آن صحيح و نيكو است". صواعق المحرقة، ص 122.
- [63]. مسند أحمد، ج 5، ص 182 و 189، به دو طريق صحيح، مجمع الزوائد، ج 9، ص 162؛ الجامع الصغير، ج 1، ص 402 و در المنثور، ج 2، ص 60.
- [64]. معجم كبير طبرانى، ج 5، ص 166، ح 4971، مجمع الزوائد، ج 9، ص 163 و در المنثور، ج 2، ص 60.
- [65]. آل عمران (3) آيه 103: همگى به ريسمان خدا چنگ زنيده و پراکنده نشويد.
- [66]. رازى در تفسير آيه مى گويد: "وروى عن أبى سعيد الخدرى عن النبى صلى الله عليه و آله أنّه قال: إِنّى تارك فيكم الثقلين، كتاب الله تعالى حبل ممدود من السماء إلى الأرض، وعترتى أهل بيتى". تفسير رازى، ج 8، ص 173.
- [67]. آلوسى در تفسير آيه مى گويد: "وأخرج أحمد عن زيد بن ثابت قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنّى تارك فيكم خليفتين كتاب الله عزّوجلّ ممدود ما بين السماء والأرض وعترتى أهل بيتى وإنهما لن يفترقا حتى يردا على الحوض وورد بمعنى ذلك أخبار كثيرة". تفسير آلوسى، ج 4، ص 18.
- [68]. آل عمران (3) آيه 103.
- [69]. تفسير ثعلبى (الكشف والبيان) ج 3، ص 163؛ شواهد التنزيل، ج 1، ص 168، ح 177، قندوزى از ثعلبى در بناييع المودة لذوى القربى، ج 1، ص 356 و ج 2، ص 368 و 440 و صواعق المحرقة، "باب حادى عشر، فصل أول"، ص 151.
- [70]. شواهد التنزيل، ج 1، ص 168، ح 177.